

دکتر زهرا احمدی پور

دانشگاه تربیت مدرس

شماره مقاله: ۳۷۳

## ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر در پرتو ژئوپولیتیک جدید منطقه

Dr. Zahra Ahmadipoor

*Tarbiat Modarres University of Tehran*

### **Necessity of Assigning the Legal Regime of the caspian sea in the new Geopolitics**

Following the collapse of the Soviet Empire in December 1991, a new Geopolitics was created on region, which resulted in possession the Caspian sea to Five states and hence this become an international problem.

After the collapse of the USSR, new independent states, emerged along the coastline of the Caspian sea, In addition to Russia and Iran as traditional Caspian states, Azerbaijan, Turkmenistan and kazakistan, Now have access to the Caspian sea.

Backgrounds of action to obtain oil & gaz, Fishing and navigation, has been followed spread competition between states, especially new Independent republic, that was located on Caspian basin and so the United States and other western powers have entered the Caspian political circle and struggles of Geostrategic on region, was changed.

In this competition of power, preservation of Ecology and establishment security and stability in region and logic obtains from sea, is one of the most important cases which in new Geopolitics of Caspian sea have to be considered.

This cases are not been gained, unless legal regime of the Caspian sea in conformity to new condition is delimited.

## مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دوران جدیدی را در روابط بین دولتها گشود و تحولی بنیادی در تمامی ابعاد سیستم بین‌المللی ایجاد نمود.

از زمره این تحولات بنیادی می‌توان به ماهیت دگرگون شده نظام توزیع قدرت در سطح جهانی، شکل جدید مناسبات منطقه‌ای، اهمیت یافتن عنصر اقتصاد در روابط بین کشورها، افزایش تعداد بازیگران در نظام بین‌المللی، پررنگ شدن نقش قومیت، مذهب و خرده ناسیونالیسم اشاره نمود.

در راستای این تحولات اساسی، مفهوم ژئوپولیتیک نیز که بعد از قرن نوزدهم، تحولات خاصی یافته بود، با تغییرات دیگری روبرو شده و با هیأتی جدید، تحت عنوان ژئوپولیتیک جدید و در مقابل ژئوپولیتیک قدیم مطرح گردید.

اغلب چنین استدلال می‌شود که در ژئوپولیتیک قدیم، توجه عمده بر قطب‌بندی دولتها و تقابل بین آنها معطوف می‌باشد که البته این دیدگاه از نظام حاکم بر سیستم بین‌المللی که سیستمی دو قطبی بود، ناشی می‌شد.

ژئوپولیتیک جدید، توجه به محیط زیست، رفاه عمومی مردم، رعایت حقوق بشر و حرکت در جهت همکاری دولتها را مورد بررسی قرار می‌دهد که در واقع این نظرگاه نیز برخاسته از شرایط حاکم بر سیستم جهانی است که به سمت چند قطبی شدن حرکت می‌کند. در واقع منظور از ژئوپولیتیک جدید تعاملاتی است که در اثر به هم ریختگی توازن قدرت در سطح منطقه و یا در صحنه جهانی میان بازیگران منطقه‌ای و قدرتهای بزرگ بر سر علایق رقابت‌آمیز اقتصادی و سیاسی به وجود آمده است.<sup>۱</sup> به دنبال همین رویدادهای سیاسی و اقتصادی بعد از فروپاشی شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ بود که منطقه دریای خزر در شرایط ژئوپولیتیکی جدید، در کانون توجهات قرار گرفته و وارد مبادلات جهانی شد.

در سطح بین‌المللی ظهور روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان به عنوان دولتهای جانشین اتحاد شوروی سابق در حاشیه خزر به طور برجسته‌ای طیف سیاسی منطقه و پیچیدگیهای ژئواستراتژیک آن را دگرگون کرده است و از لحاظ اقتصادی، ظهور موجی از علاقه به بهره‌برداری از منابع بالقوه عظیم نفت و گاز دریای خزر و حضور ناوگان کوچکی از شرکتهای نفتی غربی را به دنبال داشته است. شرکتهایی که در برخی از بزرگترین قراردادهای مشارکتی اکتشافی و تولید قرن وارد شده‌اند.

۱- دکتر دُرّه میرحیدر، «ژئوپولیتیک جدید»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۴، سال ۱۳۷۳، ص ۱۴۲.

این دگرگونیها، رقابت شدیدی را برای کسب موقعیت در میان دولتهای ذی نفع در جهت تلاش برای انطباق سیاستهای منطقه‌ای با واقعتهای سیاسی نوین به وجود آورده است. در این مسابقه قدرت در منطقه، منابع طبیعی دریای خزر متعلق به کیست؟ ذخایر هیدروکربوری چگونه باید به بازار راه یابد؟ تخریب پیش‌رونده محیط زیست دریای خزر تا کجا ادامه دارد؟ و به قولی سرنوشت دریای خزر در این رقابت گسترده چه خواهد شد؟

فرض اصلی در این مقال، آن است که یافتن راه حل تمامی این شرایط دشوار حاکم بر دریای خزر، در تعیین رژیم حقوقی آن نهفته است و از این رو تعیین رژیم حقوقی مناسب در دریای خزر، امنیت و منافع ملی کشورهای ساحلی و حفظ محیط زیست دریا را به دنبال دارد و در شرایط کنونی، تعیین رژیم حقوقی این دریا، ضرورتی انکارناپذیر به‌شمار می‌آید.

دریای خزر بزرگترین دریاچه جهان در محل تلاقی آسیای مرکزی، قفقاز و ایران واقع شده است. مساحت آن بالغ بر ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع می‌باشد. طول دریای خزر در حدود ۱۴۴۰ کیلومتر و عرض آن بین ۲۱۰ تا ۴۳۰ کیلومتر متفاوت است.<sup>۲</sup>

طول خط ساحلی این گستره آبی ۶۵۰۰ کیلومتر است که در حدود ۷۰۰ کیلومتر آن در ساحل ایران واقع شده است. آب دریای خزر در حدود ۲۷ متر پایین‌تر از سطح دریاهاى آزاد و اقیانوسهاست. سطح آب آن در ۱۵ سال اخیر در حدود ۲/۲ متر بالا آمده است. تا سال ۲۰۰۰ سطح آب دریای خزر در حدود ۲/۵ متر دیگر بالا خواهد آمد.<sup>۳</sup>

این دریاچه فاقد راه آبی طبیعی به دریاهاى آزاد جهان می‌باشد و تنها از طریق کانالهای ایجاد شده از طریق رود ولگا به دریای سیاه متصل است و از این رو جزو آبهای بسته (closed sea) به‌شمار رفته و تنها کشورهای مجاور آن حق دریانوردی در آن را دارا می‌باشند.

دریای خزر که شوری آب آن کمتر و تلخی آن بیشتر از دریاهاى آزاد است، از نظر منابع بیولوژیک و ذخایر هیدروکربوری، یکی از مناطق استثنایی جهان است. به علاوه این دریا در حفظ تعادل اکوسیستم، تلطیف هوای سرزمینهای اطراف و ایجاد شرایط مساعد برای کشاورزی، نقشی بسیار مهم دارد.<sup>۴</sup>

تا قبل از دسامبر ۱۹۹۱ دریای خزر، هیچ مشکل خاصی نداشت، اما به دنبال فروپاشی اتحاد

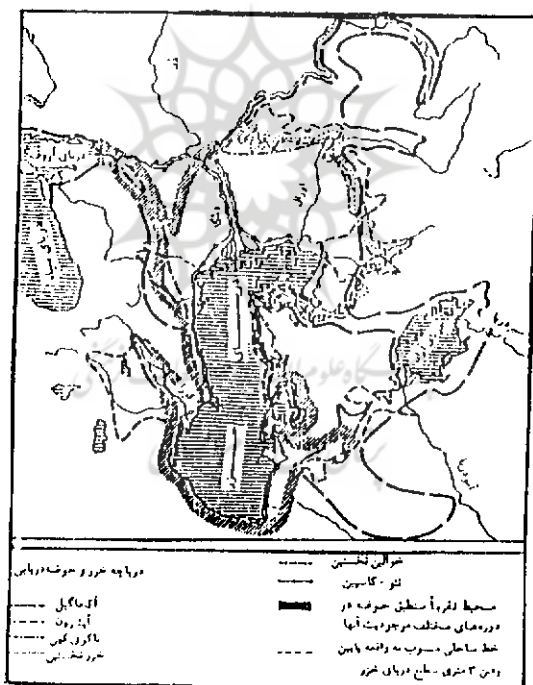
2- "Caspian sea", *The new Encyclopedia Britanica*, V. 3, Chicago, 1984, p. 980.

۳- مطبوعات داخلی مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۲۷.

4- Ibid, p. 981.

جماهیر شوروی و بر هم ریختن توازن قدرت، وضعیت ژئوپولیتیک جدیدی در منطقه ایجاد شد و به دنبال آن علاوه بر روسیه و ایران به عنوان دولتهای سنتی حاشیه خزر، دولتهایی چون آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان نیز به این دریا دسترسی پیدا کردند.

کشورهای تازه استقلال یافته با داشتن مشکلات متعدد اقتصادی که به جای مانده از یک حاکمیت و حکومت متمرکز در طی سالیان دراز بود، در راستای سامان بخشیدن به اقتصاد خود هر کدام به شکلی متوجه دریای خزر و بهره‌برداری از منابع آن شدند و در هر یک از زمینه‌های ماهی‌گیری، کشتی‌رانی و استحصال منابع نفت و گاز با همکاری شرکتهای امریکایی و اروپایی، فعالیتهای مستقلی را آغاز نمودند. از این رو به نظر می‌رسد که با توجه به شرایط زیست محیطی دریای خزر و ظرفیت محدود آن قبل از آن که رقابت گسترده کشورهای حاشیه، آن را تبدیل به مردابی نماید، تعیین وضعیت حقوقی این دریا به عنوان یک ضرورت و اولویت باید در دستور کار مسؤولان امر قرار گیرد.



نقشه شماره ۱: محدوده دریای خزر در ادوار مختلف

### وضعیت حقوقی دریای خزر

دریای خزر دارای وضعیتی منحصر به فرد بوده و از نظر اهمیت سیاسی - امنیتی، ظرفیت اقتصادی، شرایط تاریخی و اکوسیستم طبیعی واحد، با سایر دریاچه‌های مشترک بین دو یا چند کشور مشابهتی ندارد و لذا در برخورد با مسائل و مباحث حقوقی آن بایستی در نظر داشت که وسعت زیاد، اکوسیستم واحد و کاملاً بسته بودن آن، ترتیبات و تمهیدات ویژه‌ای را طلب می‌کند.<sup>۵</sup>

#### الف: دریای خزر به عنوان یک دریاچه

واژه‌های دریا و دریاچه که بسادگی به کار برده می‌شوند علاوه بر معنای لغوی عادی خود دارای محتوای علمی و سیاسی مشخصی نیز می‌باشند. از آن‌جا که مفاهیم دریا و دریاچه در تعیین مرزهای آبی بین کشورها از اهمیت فراوانی برخوردار است لازم است به مفهوم دقیق آن توجه خاص مبذول گردد. در اکثر مجموعه‌های دایرةالمعارف چنین گفته می‌شود که دریا یک واحد جغرافیایی است که با اقیانوس در ارتباط می‌باشد. دریاچه نیز یک واحد جغرافیایی است که در اثر جمع شدن آب در نقاط معین از پستیهای زمین به وجود می‌آید و به دریا (اقیانوس) متصل نیست.<sup>۶</sup>

مسأله دریا یا دریاچه بودن خزر یک مسأله مربوط به علم زمین‌شناسی است. شرایط و ویژگیهایی که در این ارتباط ذکر می‌شود، شامل اندازه، میزان شوری، مواد معدنی، عمق، مدت حیات، روش تشکیل و وجود یک فلات قاره است. با توجه به این معیارها آروف با داشتن ۳۸ هزار کیلومتر مربع مساحت و ۱۴ متر عمق در ردیف دریاها قرار می‌گیرد ولی خزر علی‌رغم داشتن ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع مساحت و ۱۰۲۵ متر عمق به دلیل شرایط خاص خود در ردیف دریاچه‌ها قرار می‌گیرد. دریاچه بودن خزر در بسیاری از اسناد حقوقی دولتی و بین‌المللی رسماً منعکس شده است.

#### رژیم حقوقی دریاچه‌ها

حقوق بین‌المللی بر این قاعده نظر دارد که دریاچه‌های بسته‌ای که کاملاً در قلمرو خاک یک دولت محاط هستند، به عنوان آبهای داخلی، بخشی از سرزمین آن دولت محسوب می‌گردند. در همین راستا از لحاظ حقوق بین‌المللی، دریاچه‌ها و دریاچه‌هایی نظیر دریای خزر که به آبهای آزاد راه ندارند، از محدوده کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ خارج بوده و بر همین اساس:

۱- در این‌گونه آبها، آزادی دریانوردی وجود ندارد.

۵- محمدرضا دبیری، «رژیم حقوقی دریای خزر عاملی برای توازن منافع و توازن امنیت»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰، تابستان ۷۴، ص ۱۴۲.

۲- رژیم حقوقی کشتی‌رانی و تعیین مرزها، تابع معاهدات فی‌مابین و یا اعمال تصرفی است که توسط هر یک از دول ساحلی به کار گرفته شده و در صورت عدم وجود معاهده، در هر صورت فرض بر تساوی است.

۳- منابع زیردریایی و حق ماهی‌گیری در انحصار دول ساحلی است.

۴- دول ساحلی در مورد این‌گونه دریاها، حق حاکمیت انحصاری و صلاحیت قانون‌گذاری اداری قضایی و اجبارکننده دارند.<sup>۷</sup>

### ب: دریای خزر به عنوان یک دریای بسته

در بیشتر مباحث حقوقی بین‌المللی سه نوع دریای بسته از یکدیگر تمیز داده می‌شود:

۱- دریایی که کاملاً توسط سرزمین دو یا چند کشور و بدون راه به دریای دیگری احاطه شده باشد، مانند دریای خزر.

۲- دریایی که توسط چند کشور احاطه شده و به وسیله یک یا چند تنگه باریک به سایر دریاها متصل است و رژیم حقوقی آن بر اساس معاهدات بین‌المللی تنظیم شده است، مانند دریای سیاه.

۳- مانند دریای نوع دوم است اما بدون یک رژیم حقوقی قراردادی بر اساس معاهدات بین‌المللی، نظیر دریای ژاپن و اُختسک.<sup>۸</sup>

### رژیم حقوقی دریاها بسته

منطق دریای بسته آن است که کشتی‌رانی در این مناطق دریایی به دولتهای ساحلی آن اختصاص داشته و لذا بایستی در جهت منافع آنها تنظیم گردد. به عبارت دیگر دولتهای هم‌مرز با یک دریای خاص با توافق بین خود می‌توانند از آن مشترکاً بهره‌برداری کنند.

کنوانسیونهای عمده حقوق دریای خزر مطالب زیادی ندارند. در فصل ۹ و در ماده ۱۲۲ کنوانسیون ۱۹۸۲ تعریفی از دریای بسته و نیمه بسته با این مضمون ارائه شده است:

خلیج، حوزه آبی و یا دریای محصور میان دو یا چند کشور که از طریق گذرگاه باریکی به دریا یا اقیانوس متصل باشد و کاملاً و یا عمدتاً شامل دریای سرزمینی و منطقه انحصاری-اقتصادی دو یا چند کشور ساحلی باشد.<sup>۹</sup> در ماده بعدی اشاره شده که دولتهای هم‌مرز در دریای بسته و یا نیمه بسته در

7- Ian Brownlie, *Principles of Public International Law*, 1990, p. 232-33.

8- J. J. Darby, "The soviet doctrine of the closed sea". *Law Review*, No. 23, 1986, p. 685.

۹- محمدرضا دبیری، همان، ص ۱۴۳.

اعمال حقوقی خود و در اجرای وظایف خود تحت این کنوانسیون با یکدیگر همکاری نمایند. لذا همان‌گونه که از تعریف کنوانسیون استفاده می‌شود، دریای خزر با شرایط جغرافیایی خاص خود نمی‌تواند به تحوی که در کنوانسیون آمده از مصادیق دریای نیمه بسته باشد. البته ذکر این نکته لازم است که در تبصره ۲ قانون اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی فلات ایران مورخ ۱۳۳۴ هـ ش (۱۹۵۵ م) تصریح شده است که در مورد دریای خزر، مبنای عمل طبق اصول حقوق بین‌الملل مربوط به دریاهای بسته بوده و می‌باشد.

در مفهوم بین‌الملل، دریاهای بسته به آبهای گفته می‌شود که در محدوده خشکی قرار دارند و توسط دو یا چند کشور احاطه شده‌اند. از این رو با توجه به آن که از طرفی دریاچه بودن دریای خزر در اسناد حقوقی رسماً منعکس شده و از طرف دیگر بین چند کشور ساحلی محصور می‌باشد که فاقد راه ارتباط طبیعی با دریاهای آزاد است، رژیم حقوقی آن با تأکید بر دریاچه بسته بودن خزر بایستی تدوین گردد.

البته در حال حاضر وضعیت حقوقی دریای خزر مبتنی بر دو معاهده است که دولت ایران با دولت روسیه و اتحاد جماهیر شوروی سابق منعقد نموده است: عهدنامه مودت مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ و قرارداد بازرگانی و بحر پیمایی مورخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰.

### تاریخچه حقوقی دریای خزر

از نظر تاریخی، روسها تا مدتها حقوق ماهی‌گیری انحصاری و بهره‌برداری از دریای خزر را به خود اختصاص داده بودند. در سالهای ۲۵ - ۱۷۲۳ سیاست گسترش مرزهای امپراتوری روسیه با این هدف تنظیم شده بود که دریای خزر و تمامی خط ساحلی آن را در قلمرو روسیه قرار دهد.

تاریخچه حقوقی دریای خزر با عقد معاهده ترکمانچای در ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ آغاز گردید، قراردادی که تکلیف رژیم حقوقی دریای خزر را برای مدت تقریباً یک قرن روشن ساخت. براساس شرایط این معاهده کشتیهای تجاری ایران و روسیه از نظر مسیر در دریای خزر دارای حقوق برابر بودند. البته تأکید شده بود که حق دارا بودن کشتیهای جنگی منحصر به روسیه می‌باشد.

طی عهدنامه دیگری که در ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میان ایران و روسیه به امضا رسید، مبنای جدیدی برای رژیم حقوقی دریای خزر در نظر گرفته شد. ایران و روسیه از نظر دارا بودن ناوگان در دریای خزر حقوق مساوی پیدا کردند. طبق فصل ۱۱ معاهده ۱۹۲۱، ترتیبات قرارداد صلح ترکمانچای مورخ ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ که ایران را از داشتن نیروی دریایی در دریای خزر منع کرده بود، فسخ کرده و به ایران و روسیه بالسویه حق کشتی‌رانی را که شامل کشتیهای جنگی نیز می‌شود اعطا کرد که البته هرگز این

تساوی در دریای خزر عملاً بین همسایه قدرتمند شمالی و همسایه ضعیفتر جنوبی برقرار نشد. براساس ماده ۱۲ قرارداد بازرگانی - بحر پیمایی ۲۵ مارس ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی، با کشتیهایی که زیر پرچم یکی از طرفین در دریای خزر رفت و آمد می‌کنند، در بندرهای طرف متعاقد دیگر چه در زمان ورود و چه در مدت توقف و چه در موقع خروج از هر حیث مثل کشتیهای کشوری رفتار می‌شود. در واقع این ماده جزئیات رژیم دریانوردی را تعیین می‌کند و مبتنی بر اصل برابری رفتار بین کشورهای حامل پرچم طرفین است.<sup>۱۰</sup>

طبق بند ۴ این ماده برای کشتیهای صیادی دو طرف یک منطقه انحصاری ماهی‌گیری تا حد ۱۰ مایل از ساحل در نظر گرفته شده است. مواد مذکور نشانگر این نکته است که ایران و روسیه دریای خزر را به عنوان محدوده مشترک بهره‌برداری کشورهای ساحلی قلمداد کرده و با برخورداری از حقوق متساوی، استفاده از تمامی دریا را برای خود جایز می‌شمارند.

مراسلات ضمیمه قرارداد ۱۹۴۰ به خوبی نشان می‌دهد که دریای خزر به عنوان دریای مشترک میان کشورهای ساحلی قلمداد می‌شود. در این نامه‌ها تصریح شده که طرفین، دریای خزر را به عنوان دریای ایران و شوروی می‌شناسند و در واقع معنای آن، حاکی از این نکته است که باید از ورود عوامل خارجی به این دریا جلوگیری شود.

با توجه به این معاهده دو اصل مهم مورد تأکید خاص قرار گرفته که می‌تواند به شرایط جدید این دریا در زمان حاضر نیز تسری یابد و آن تفاهم روشن طرفین در خصوص دو اصل: تساوی دو طرف در دسترسی به دریا و استفاده از آن و دوم اصل بسته بودن دریا به روی بیگانگان یعنی کشورهایی که در ساحل این دریا قرار ندارند، می‌باشد. البته ذکر این نکته نیز لازم است که اصل تساوی حقوق و اصل انصاف دو رکن مهم در تشکیل ساختار حقوقی معاهدات مذکور بوده است.<sup>۱۱</sup>

### رژیم حقوقی دریای خزر در شرایط ژئوپولیتیکی جدید منطقه

یکی از مسائلی که تعیین رژیم حقوقی دریای خزر را فوریت می‌بخشد، شرایط ژئوپولیتیکی جدیدی است که به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ در منطقه به وجود آمده است و در پی آن دریای خزر به پنج کشور تعلق گرفت. با اکتشافات و تحقیقات جدید ثابت شده است که حوزه دریای خزر مقدار زیادی منابع نفت و گاز را در خود جای داده است که اگر با سیاست صحیح

۱۰- جمشید ممتاز، «وضعیت حقوقی دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰، تابستان

۱۳۷۴، ص ۱۲۵.

۱۱- متن دو معاهده در مجموعه قراردادها، جزوه شماره ۲، وزارت امور خارجه، ۱۳۳۸ آمده است.



توسعه یابد روزانه دو میلیون بشکه نفت از این منطقه صادر خواهد شد. از این رو با فروپاشی شوروی سابق و تضعیف قدرت مرکزی و تشکیل کشورهای مستقل و تقویت قدرتهای محلی هرچند که جنگ سرد پایان یافته است، ولی رقابت شدید بین کشورهای منطقه و ورود کشورهای غربی و شرکتهای نفتی امریکایی و انگلیسی در حال تشکیل دادن یک سیستم جدید بین‌المللی در حوزه دریای خزر می‌باشد.<sup>۱۲</sup> کارشناسان ذخایر نفتی را در دریای خزر حدود ۳۵ میلیارد بشکه تخمین زده‌اند که یکی از غنی‌ترین منابع نفتی دنیاست. در سال ۱۹۹۳ ترکمنستان قانون مرزها را به تصویب رسانده و علاوه بر اعلام ۱۲ مایل آبهای سرزمینی، محدوده منطقه‌ای انحصاری اقتصادی خود را به منظور بهره‌برداری اختصاصی در دریای خزر تعیین نمود. قزاقستان که با شرکتهای نفتی غربی وارد مذاکره شده بود بخش مربوط به خود را طلب کرده و خواستار تقسیم دریای خزر بر اساس مقررات کنوانسیون حقوق دریاها مورخ سال ۱۹۸۲ م گردید. آذربایجان نیز به منظور بهره‌برداری از منابع نفت خزر با کشورهای غربی وارد مذاکره شده و در جهت تحکیم مبانی مذاکره موضوع بخش آذربایجانی دریای خزر را مطرح ساخت. این اقدامات یک جانبه که بر خلاف قوانین بین‌المللی ناظر بر تحدید حدود آبهای ساحلی کشورها در مورد افزایش تعداد آنها بود عملاً خطر بروز یک بن‌بست حقوقی را در دریای خزر پدید آورد.<sup>۱۳</sup>

دولت روسیه در اعتراض به این اقدامات یک جانبه در ۱۶ اکتبر ۱۹۹۴ طی سندی موسوم به مواضع فدراسیون روسیه در قبال رژیم حقوقی دریای خزر، کلیه اقداماتی را که به منظور تقسیم آبهای خزر صورت پذیرفته غیرقانونی دانست. علت این امر موقعیت خاص و آسیب‌پذیر دریای خزر از نظر زیست‌محیطی است که ایجاب می‌کند فعالیت‌های اقتصادی به‌صورتی هماهنگ و کنترل شده انجام پذیرفته و اقدامات یک جانبه باعث زیان سایر کشورهای ساحلی نگردد. روسیه عقد سلسله قراردادهایی را به عنوان مکمل معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ پیشنهاد نموده است.

علی‌رغم اعتراضهای مکرر دولت روسیه و مخالفت ایران با اقدامات یک جانبه در دریای خزر، کمپانیهای نفتی متعدد امریکایی و اروپایی در قزاقستان و آذربایجان که دارای عمده‌ترین حوزه‌های نفتی دریای خزر می‌باشند مشغول فعالیت می‌باشند. در واقع فعالیت این شرکتها و پشتیبانی واشنگتن از آنها نشان می‌دهد که دولت امریکا حاضر نیست حتی ذره‌ای از منافع و درآمد این حوزه‌ها به جای دیگری رود. با توجه به این هجوم گسترده به منابع زنده و منابع هیدروکربوری در دریای خزر، در حال حاضر

12- R. V. Barylaski, Russia, "The west and caspian energy hub", *The Middle East Journal*, 1995, p. 217.

13- Jurbib opuv, Henn, *The caspian sea: Atangle of legal problem*, 1995, p. 119-123.

این دریاچه بشدت مورد تهدید قرار گرفته است. احداث سد های فراوان در اطراف آن، تخلیه زاینده های نفتی و خطرات ناشی از حفر چاه های نفت و آلودگی گسترده آب دریا، زمینه های نابودی دریای خزر را فراهم خواهد کرد.

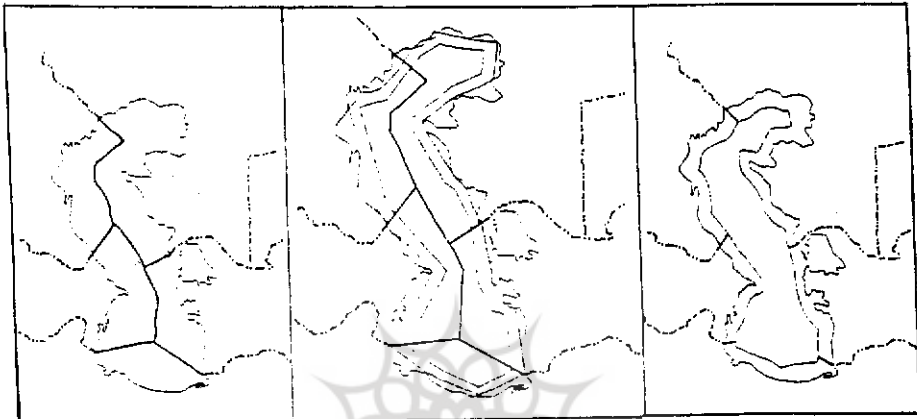
در این دریا به علت بسته بودن، عدم دسترسی به آب های آزاد و جهت گردش آب، خطر، بیشتر از دریا های آزاد است. نجات دریای خزر و برقراری امنیت در این منطقه به همکاری های گسترده کشورهای ساحلی معطوف است. در حال حاضر کشورهای ساحلی دریای خزر بر لزوم تعیین یک رژیم حقوقی کامل برای این گستره آبی توافق نظر دارند، اما این که این رژیم چگونه و در چه چارچوبی تعیین گردد، مورد اختلاف است. در جلسات و نشست های مکرری که بین نمایندگان حقوقی پنج کشور ساحلی بعد از فروپاشی شوروی تاکنون (آخرین بار آبان ماه ۱۳۷۵) برگزار شده است، دسترسی به یک توافق کلی در این خصوص امکان پذیر نگردیده و پیوسته دولتهای ساحلی و بویژه قزاقستان و آذربایجان بر دیدگاه های خود مبتنی بر تقسیم دریا اصرار می ورزند. لازم به ذکر است که طرح تقسیم دریا که از طرف این دو دولت مطرح شده پیوسته مورد پذیرش و تأکید شرکتهای امریکایی و اروپایی می باشد، تا بدین طریق راحت تر بتوانند منافع خود را تأمین نمایند.

جمهوری اسلامی ایران، روسیه و ترکمنستان خواهان استفاده مشاع از دریا بوده و طرح تقسیم آن را نمی پذیرند. این دولتها خواهان آن هستند که یک منطقه انحصاری برای هر دولت ساحلی در نظر گرفته شود و بقیه دریا به حالت مشاع بهره برداری شود که البته در این زمینه ابتدا محدوده ۱۰ مایلی را به عنوان منطقه اختصاصی در نظر گرفتند که در اسفند ماه ۷۴ به ۲۰ مایل افزایش یافت و در نخستین اجلاس همکاری دریای خزر در ۲۳ آبان ۱۳۷۵ پریماکف وزیر امور خارجه روسیه پیشنهاد کرد که محدوده ۴۵ مایلی هر کشور ساحلی منطقه اختصاصی آن خوانده شود و منابع محدوده خارج از منطقه پیشنهادی به صورت مشترک توسط تمامی پنج کشور ساحلی مورد بهره برداری قرار گیرد.<sup>۱۴</sup>

در حال حاضر خطراتی که دریا را تهدید می کند، بسیار جدی است و به یک کشور خاص محدود نمی شود. به نظر می رسد که یک سیستم حقوقی ویژه برای حفظ و تعادل این دریا لازم و از ارجحیت برخوردار می باشد. آنچه مسلم است جمهوری های ساحلی دریا که برای نجات اقتصاد خود متوسل به شرکتهای امریکایی شده اند بایستی از این خطر بزرگ آگاه باشند که علاوه بر نابودی دریا، آبزیان و ساحل نشینان، خطر تهدیدات امنیتی غرب در منطقه و حضور نظامی آن در منطقه دور از انتظار نیست

۱۴- مطبوعات داخلی، مورخ ۲۲ و ۲۳ آبان ماه ۱۳۷۵.

بویژه آن که ۴۴٪ سهام نفتی در اکثر معاملات منطقه متعلق به شرکتهای امریکایی است. از اینرو کشورهای منطقه باید با آگاهی تمام سرنوشت منطقه‌ای را که به عنوان یک منطقه استراتژیک مورد توجه قرار گرفته، خود به دست گیرند و حیات و امنیت را قربانی قراردادهای نفتی با کنسرسیومهای غربی نکنند.



پیشنهاد آذربایجان: تقسیم خزر به مناطق سی

پیشنهاد قزاقستان: تقسیم خزر با توجه به حقوق دریایا ۱۹۸۲

پیشنهاد ایران، روسیه، ترکمنستان، همکاری مشترک در دریا (مشاع)

### نقشه شماره ۲: طرحهای پیشنهادی دریای خزر

#### نتیجه گیری

حل مسائل دریای خزر و استفاده بهینه از منابع آن ایجاب می‌کند که صلح و آرامش در منطقه حکمفرما باشد و باید از هرگونه اقدامی که به بروز تنش بین کشورهای ساحلی منجر گردد، خودداری شود و به عنوان مهمترین موضوع، دولتهای ساحلی متعهد شوند که دریای خزر را صرفاً برای مقاصد صلح‌آمیز مورد استفاده قرار دهند و دریای خزر منطقه صلح اعلام گردد<sup>۱۵</sup>.

در باب تعیین وضعیت حقوقی جدید برای دریای خزر، برخی از حقوقدانها دریای خزر را تحت مالکیت مشترک ایران و شوروی می‌دانند. مراسلات ضمیمه قرارداد ۱۹۴۰ عملاً هر دولت ثالثی را از هر گونه فعالیت در دریای خزر منع می‌کند.

بعد از فروپاشی شوروی و ظهور دولتهای جدید در منطقه، رژیم حقوقی دریای خزر تغییری نیافته است و براساس اصول حقوق بین‌المللی رژیم حقوقی یک منطقه بر اثر محو یک دولت یا ظهور دولت جدید در منطقه تغییر نمی‌یابد و براساس اصل جانشینی دولتها رژیم حقوقی که دریای خزر را موضوع استفاده مشترک کشورهای ساحلی قرار داده است تا زمان توافق دولتهای مذکور در مورد تغییر آن، همچنان به قوت خود باقی است.

بنابراین وضعیت حقوقی دریای خزر براساس مفاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ایران و شوروی به همان صورت قبلی باقی می‌ماند، ولی باید به این نکته توجه شود که خزر در قلمرو هیچ دولتی قرار نگرفته و در واقع منطقه‌ای است ماورای صلاحیت ملی دولتهای ساحلی، و رژیم حقوقی آن می‌بایست با توافق دولتهای مذکور و با نگرش به این اصل تعیین گردد که کلیه دولتهای ساحلی دارای حقوق مساوی در بهره‌برداری از دریا می‌باشند و لذا طبق رژیم حقوقی دریای خزر تا زمان تعیین رژیم حقوقی جدید، کلیه دولتهای ساحلی در انجام فعالیت در سراسر دریا دارای حقوق مساوی می‌باشند و هیچ یک از دولتها حق انحصاری در این مورد را ندارند.

ذکر چند نکته در این راستا ضروری است که باید بدان توجه کافی مبذول گردد. بر این اساس، با توجه به آن که ایران وضعیت حقوقی دریای خزر را در حال حاضر منبعت از دو معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ می‌داند، ضروری است که مقررات موجود در این دو معاهده با شرایط فعلی منطبق گردد و پیرامون مقررات حاکم بر امور مربوط به کشتی‌رانی و مقررات حاکم بر بهره‌برداری از منابع دریایی، مذاکراتی بین کشورهای ساحلی صورت گیرد؛ همچنین نکات مبهم این معاهدات مورد توجه و بازبینی قرار گیرد. از آن جمله ایرادی است که به امر عدم تفکیک بین کشتیهای تجاری و ناوهای جنگی و تسری آزادی کشتی‌رانی بدون هیچ‌گونه محدودیتی به هر دو نوع کشتی وارد است و دیگری اعمال این اصل در تمامی پهنه آبی دریایی خزر از جمله آبهای نزدیک سواحل و بنادر است.

آزادی تردد بدون محدودیت ناوهای جنگی می‌تواند خطراتی را برای امنیت و استقلال سیاسی دولتهای ضعیفتر در پی داشته باشد، بویژه آن که در حال حاضر هیچ‌گونه تعادلی بین نیروهای دریایی کشورهای ساحلی دریای خزر وجود ندارد.

مؤثرترین پیشنهاد برای تأمین امنیت کشورهای ساحلی در این جهت غیرنظامی کردن دریای خزر و یا محدود کردن تناز ناوگان جنگی طرفین می‌باشد، اما بهترین راه‌حل در شرایط کنونی اعلام دریای

خزر به عنوان منطقه صلح است<sup>۱۶</sup>.

در مورد مقررات مربوط به بهره‌برداری از منابع زنده و منابع بستر دریای خزر تعیین مقرراتی جدید به نظر ضروری می‌رسد چرا که بعد از فروپاشی شوروی کشورهای ساحلی تازه به استقلال رسیده در جهت سر و سامان دادن به اقتصاد بازمانده از نظام سوسیالیستی، بی‌رحمانه به منابع دریای خزر یورش آورده و در این جهت کنسرسیومهای بزرگ نفتی را نیز به منطقه فراخوانده و بدین ترتیب بهینه دریای خزر را تبدیل به صحنه رقابتی شدید نموده‌اند که برای امنیت کشورهای ساحلی بویژه ایران بسیار خطرناک است.

از آن جایی که در زمان انعقاد قرارداد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بهره‌برداری از منابع زیر بستر دریا به علت عدم دسترسی به تکنولوژی لازم مطرح نبود، این معاهدات ترتیباتی را در این خصوص پیش‌بینی نکرده‌اند و تنها به تعیین مقرراتی راجع به بهره‌برداری از منابع دریای خزر اکتفا شده است.

کشف منابع نفتی در سواحل خزر و بهره‌برداری بی‌رویه از آن، آلودگیهای زیست محیطی شدیدی را به همراه داشته و خسارات جبران ناپذیری را به منابع جاندار دریای خزر وارد آورده‌اند و لذا با توجه به عدم ارتباط دریای خزر با آبهای بین‌المللی و مشکل آن در تصفیه آبهای آلوده، در صورت عدم توافق کشورهای ساحلی برای تعیین مقررات لازم در امور بهره‌برداری از منابع زنده و منابع زیر بستر دریا، دریای خزر به مردابی تبدیل خواهد شد که هم به نابودی منابع زنده این دریا خواهد انجامید و هم زندگی ساحل‌نشینان و محیط ساحلی آن را تهدید نموده و به عنوان یک بحران زیست محیطی، منطقه را به خطر خواهد انداخت.

در راستای پیش‌گیری از تبدیل دریای خزر به صحنه رقابتی قدرتهای بزرگ بیگانه و نابودی دریا به دنبال آلودگیهای شدید، ضرورت تجدیدنظر در مفاد معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ ضروری می‌نماید تا به عنوان پیش‌نویس یک رژیم حقوقی جدید برای دریای خزر با توافق کلیه دولتهای ساحلی این دریا در جهت تأمین امنیت منطقه‌ای و دست‌یابی به یک منطقه کارکردی فعال صورت گیرد. لذا، چه دریای خزر تحدید حدود بشود و چه حاکمیت مشترک بر آن اعمال شود، توسعه منابع آن بستگی به حسن نیت، همکاری، مذاکره و توافق کشورهای ساحلی خواهد داشت.

لازم است جمهوری اسلامی ایران و روسیه به عنوان دولتهای قدرتمند حاشیه خزر ضمن همکاری گسترده در جهت حل مشکلات منطقه، طرح تعیین رژیم حقوقی را با قوت هرچه بیشتر تدوین نموده و ضمن ارائه آن به سایر دولتهای ساحلی، مفاد آن را به اجرا درآورند.

## منابع و مأخذ

- ۱- آقای، بهمن، رژیم حقوقی دریای مازندران، مجله حقوق، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۶۶.
- ۲- چرچیل، رابین، حقوق بین‌المللی دریاها، ترجمه بهمن آقای، دفتر مطالعات سیاسی و وزارت امور خارجه، تهران ۱۳۶۷.
- ۳- دبیری، محمدرضا، «رژیم حقوقی دریای خزر عاملی برای توازن منافع و توازن امنیت»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴.
- ۴- مجموعه قراردادهای جزوه شماره ۲، وزارت امور خارجه، ۱۳۳۸.
- ۵- مطبوعات داخلی ۲۲ و ۲۳ آبان ۱۳۷۵ و ۲۷ دیماه ۱۳۷۵.
- ۶- ممتاز، جمشید، «وضعیت حقوقی دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۴.
- 7- Arnold, Edward, *A Dictionary of geography*, F. J. Monkhouse, 1972.
- 8- "Caspian sea", *The new Encyclopedia Britanica*, V. 3, chicago: William Baton press, 1984.
- 9- Gizzatov, Vyacheslav, *The legal status of the caspian sea*. Iby labyrinth summer 1995.
- 10- Ian Brownlie. *Principles of Public International law*, 1990.
- 11- J. J. Darby, *The soviet doctrine of the closed sea*, 1986.
- 12- Juriuib opuv Henn, *The caspian sea: A tangle of legal problem*, 1995.
- 13- Khodakov, Alexander, *The legal framework for regional cooperation in the caspian sea*. Iabyrinth summer 1995.
- 14- Oxman, Bernard H., *caspian sea or lake? What diffrence does it make?* caspian croesroads winter 1995/ 1996.
- 15- R. Bundy, Rodman, *The Caspian - sea or lake? Consequence in international law*, frere cholmeley Paris offece, summer 1995.
- 16- R. V. Barylaski, Bussia, "The west and caspian energy Hub", *The middle East Journal*, 1995.
- 17- Shear man and sterling, *Boundary delimitation in the caspian sea*, may 1995, New york.